



درس فارج فقه استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

موضوع کلی: فقه رمز ارزها

موضوع جزئی: ۲. مال - تفاوت مال و مالیت - بررسی مال بودن رمز ارزها

تاریخ: ۲۸ دی ۱۴۰۱

مصادف با: ۲۵ جمادی الثانی ۱۴۴۴

جلسه: ۲۵

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

تفاوت مال و مالیت

بحث در مورد حقیقت مال و ویژگی‌های آن بود؛ ما چند ویژگی را برای مال ذکر کردیم و وعده دادیم درباره فرق مال و مالیت به صورت کوتاه مطلبی را عرض کنیم.

مال در حقیقت اشاره به ذات شیء دارد که متصف به ارزش مبادله‌ای یا مالیت می‌شود. این ذات همانطور که گفتیم اعم است از عین یا منفعت یا یک حق یا حتی یک کلی فی الذمه. پس مال در حقیقت به ذات شیء مربوط می‌شود، مال اشاره است به ذات شیء که اعم از عین و منفعت و حق و دین است. اما مالیت در حقیقت آن ارزشی است که این شیء پیدا می‌کند؛ ارزش مبادله‌ای که این شیء از آن برخوردار می‌شود. مال چون اشاره به ذات شیء دارد، یک حقیقت ثابت است؛ آن حقیقت تغییر نمی‌کند. ممکن است خانه یا زمینی به مرور خراب شود، اما این حقیقت به عنوان یک امر ثابت شمرده می‌شود. اما مالیت شیء یا صفت مربوط به آن شیء که عبارت از ارزش مبادله‌ای آن می‌باشد، قابل زوال است. مالیت یک امر نسبی و اضافی است؛ می‌تواند در شرایطی این مالیت از بین برود، می‌تواند کم یا زیاد شود و از آنجا که مالیت یک شیء، ذاتی آن شیء نیست، قابل تغییر است. در جلسه گذشته یکی از ویژگی‌های مال را این برشمردیم که مالیت شیء امری نسبی و اضافی است، خود مال نسبی و اضافی نیست، اما مالیت شیء یک امر نسبی و اضافی است. لذا بین مال و مالیت کاملاً تفاوت وجود دارد؛ اینها دو چیز هستند. مؤید این مسأله هم مسأله اتلاف حکمی است. اتلاف را به دو قسم تقسیم کرده‌اند؛ اتلاف حقیقی و اتلاف حکمی. اتلاف حقیقی آن است که عین از بین برود یا حق از بین برود، یا به نوعی یکی از این اموری که مال محسوب می‌شود، تلف شود و از بین برود. اگر خانه‌ای خراب شود، تلف حقیقی رخ می‌دهد. اما در اتلاف حکمی مال از بین نمی‌رود اما مالیت آن ساقط می‌شود؛ در مکاسب و کتاب‌های دیگر هم مثال زده‌اند که مثلاً اگر کسی یک قالب یخ حفظ کند تا فصل زمستان برسد؛ در فصل زمستان این عین موجود است و تلف حقیقی رخ نداده، اما تلف حکمی محقق شده است. چون قالب یخ در زمستان مالیت ندارد، آن ارزش مبادله‌ای خودش را از دست داده است. پس هر جا مالیت ساقط شود تعبیر تلف حکمی به کار می‌برند و هر جا خود آن شیء از بین برود، تعبیر تلف حقیقی به کار می‌برند.

یا مثلاً در بیع و معامله این بحث و پرسش مطرح است (من این را به اشاره می‌گویم و عبور می‌کنم) که آیا معامله بر مال واقع می‌شود یا مالیت؟ آیا خود اعیان مورد معامله قرار می‌دهند یا مالیت و آن صفتی که این عین دارد مورد معامله قرار می‌گیرد؟ این پرسش بسته به اینکه چه جوابی به آن داده شود، نتیجه و ثمره عملی دارد. مثلاً می‌گویند اگر کسی مال دیگری را تلف کند ضامن است. حال اگر پول امروزی و اسکناس را بدهد بابت یک چیزی یا حداقل در ذمه او قرار بگیرد و به عنوان قرض بدهد، یا مثلاً مهریه قرار دهد، آیا گیرنده، ضامن افت ارزش این پول هست یا نه؟ این یک بحثی است مخصوصاً در این زمان

که مالیت جایجا می شود و ارزش مال کم و زیاد می شود مطرح است. اینکه این شخص ضامن اصل آن پول است یا ضامن کاهش ارزش پول هم هست؟ برخی از آقایان معتقدند او ضامن کاهش ارزش پول نیست، چون آنچه به عنوان یکی از عوضین قرار گرفته مال است؛ به عبارت دیگر معامله بر عین مال صورت گرفته و نه بر مالیت آن. لذا می گویند او ضامن مال است و نه مالیت آن؛ مالیت ضمان ندارد؛ مالیت یعنی همان ارزش مبادله‌ای، آن وصفی که آن شیء پیدا می کند. در مقابل، برخی معتقدند معامله بر مالیت صورت گرفته است. این یک بحث مبسوطی است که مالیت اشیاء هم ضمان دارد یا ندارد.

البته یک نکته دیگر هم اینجا باید مورد توجه واقع شود و آن هم مثلی و قیمی بودن این اموال است. اگر مالی مثلی بود، قهراً مثل آن بر عهده طرف می آید و اگر قیمی بود آن طرف ضامن قیمت آن است. لذا این خیلی مهم است که ما وقتی بحث از ضمان می کنیم، آن مال مثلی باشد یا قیمی. اگر مثلی باشد، باید مثل آن را بگیرد و بدهد؛ اگر قیمی باشد طبیعتاً قیمت آن را باید بدهد.

در مورد پول‌های امروزی هم بحث مفصلی آقایان دارند که این اسکناس‌ها و پول‌های امروزی مثلی یا قیمی است که ما نمی خواهیم وارد آن بحث شویم. می خواهیم عرض کنم که مسأله مالیت و اینکه یک شیء می تواند مالیت خودش را از دست بدهد و می تواند مالیت آن افزایش پیدا کند مسأله مهمی است. البته آن ذات وقتی که این وصف را از دست بدهد، دیگر عنوان مال بر آن اطلاق نمی شود؛ ذات موجود است، ولی مثلاً اگر این قالب یخ در زمستان به کلی ارزش خودش را از دست بدهد، کسی به آن عنوان مال اطلاق نمی کند.

سؤال:

استاد: یا آب کنار رودخانه یا هر چیزی که فراوانی زیادی داشته باشد. ... ما می خواهیم مثال بزنیم برای هر چیزی که عنوان مال بر آن اطلاق شده و مالیت پیدا کرده و بعد این وصف را از دست داده؛ و الا اگر چیزی از اول اصلاً عنوان مال بر آن اطلاق نشود، تخصصاً از بحث ما خارج است.

بنابراین مال به خود شیء اطلاق می شود و مالیت وصف آن شیء است که نشان دهنده ارزش مبادله‌ای آن شیء است. این البته به حسب ازمنه و امکانه می تواند تغییر کند؛ یعنی یک امر نسبی و اضافی است. آن وقت در مورد مالیت این ثمره عملی دارد که ما مالیت یک شیء را مشمول ضمان قرار دهیم یا نه. در مورد اتلاف حقیقی یا اتلاف مال، فقها قائل به ضمان هستند اما اتلاف حکمی اگر بخواهد مشمول ضمان شود نیازمند دلیل است؛ باید جستجو کنیم که آیا ادله اقتضای ضمان مالیت را دارد یا ندارد. این بحثی است که به اینجا مربوط نمی شود؛ عمده این است که مالیت است که به شیء ارزش مبادله‌ای می دهد؛ اینها دو چیز است ...

سؤال:

استاد: آن یک حق است، حق سرقفلی می گویند ... لزوماً یک چیزی که قابل اشاره حسیه نبود اینطور نیست که مالیت داشته باشد. چون گفتیم هر حقی لزوماً مالیت ندارد؛ برخی از حقوق مالیت دارند.

این بحثی بود که در تتمه بحث گذشته لازم بود مورد اشاره قرار گیرد.

بررسی مال بودن رمز ارزها

ما بحث از مال را مقدمه مطرح کردیم تا ببینیم آیا رمز ارزها مال هستند یا نه. در مقدمه اول ما در مورد پول به تفصیل بحث کردیم. اسکناس و پول‌های امروزی را (بعد از مقدماتی که بیان کردیم) گفتیم مال اعتباری هستند؛ یعنی در واقع حکومت‌ها یا

صاحبان موقعیت - چه موقعیت سیاسی و چه اقتصادی - به این کاغذها اعتبار مالیت داده‌اند و آنها را به عنوان مال اعتبار کرده‌اند. گفتیم اینها حواله و سند و رسید مال نیستند، خودشان مال هستند. به تفصیل در مورد اسکناس‌های امروزی بحث کردیم و گفتیم اینها مال اعتباری محسوب می‌شوند؛ یعنی از ناحیه معتبر اینها به عنوان مال اعتبار شده‌اند. این غیر از طلا و نقره و آن اشیائی است که مالیت آنها به حسب ویژگی‌هایی است که گفتیم اعطایی نیست و مال حقیقی هستند. گفتیم دو دسته مال داریم، مال حقیقی و مال اعتباری؛ این اسکناس‌ها مال اعتباری هستند. دوم اینکه گفتیم رمز ارزها فی الجمله پول محسوب نمی‌شوند.

حال سؤال این است که رمز ارزها مال محسوب می‌شوند یا نه؟ آنچه در فصل گذشته گفتیم در بحث از پول، نتیجه‌اش این شد که اسکناس و پول‌های امروزی مال اعتباری هستند؛ لکن رمز ارزها پول محسوب نمی‌شوند. حال اگر گفتیم پول محسوب نمی‌شوند، مال هم محسوب نمی‌شوند؟

باید ببینیم آیا ویژگی‌هایی که ما برای مال گفتیم، در مورد رمز ارزها وجود دارد یا نه. ما برای مال از نظر عرف و لغت و اصطلاح فقها یک تعریفی را ذکر کردیم و براساس آن تعریف، ویژگی‌هایی را برشمردیم. ما این توضیحات را براساس نظریه شایع و رایج و غالب بیان کردیم، و الا بعضی از اقتصاددانان در مورد مال تعاریف دیگری ذکر کردند. مثلاً برخی مثل آدم اسمیت که یک نام مشهوری در بین اقتصاددانان است، می‌گوید مال چیزی است که در تولید یا بدست آوردن آن هزینه‌ای شده باشد؛ هر چیزی که در بدست آوردن آن کاری صورت گرفته باشد، هزینه‌ای شده باشد، مال است. این تعریفی است که ناظر به همه جوامع و حتی جوامع ابتدایی است. اما مثلاً در نظام سرمایه‌داری این یک شکل دیگری پیدا می‌کند؛ اینکه هر چیزی که سودی داشته باشد و منفعتی را جلب کند، این می‌شود مال. این تعریفی که گفتیم حتی سوسیالیست‌های قدیمی و کسانی که بیشتر به نظام‌های اشتراکی معتقد بودند یا مارکسیست‌ها، اینها هم مال را همینطور معنا می‌کردند که مال چیزی است که در بدست آوردن آن کاری صورت بگیرد، هزینه‌ای انجام شود. این تعریف تقریباً متفاوت با تعریف‌هایی است که ما ذکر کردیم. هر چند برخی از آن ویژگی‌ها از این تعریف هم قابل استفاده است؛ مثلاً می‌گوییم کسی که کاری روی چیزی انجام می‌دهد طبیعتاً یک منفعتی را برای دیگران ایجاد می‌کند و باعث می‌شود دیگران رغبت پیدا کنند؛ برخی از آن ویژگی‌ها را می‌توانیم از دل این تعریف استخراج کنیم، اما این خیلی مهم نیست؛ اینکه برخی برای مال تعریف خاصی ذکر کرده‌اند ما خیلی به آن کاری نداریم. آنچه که شیوع دارد بین اهل لغت، عرف و فقها، همان معنایی است که ما گفتیم و ویژگی‌ها هم همان ویژگی‌هایی است که به آن اشاره کردیم. آن تعریف و آن ویژگی‌ها آیا بر رمز ارزها منطبق است یا نه؟ بالاخره ما رمز ارز را مال محسوب می‌کنیم؟

به نظر می‌رسد اطلاق مال بر رمز ارزها صحیح است و رمز ارز یک مال یا دارایی محسوب می‌شود. چون بالاخره یک چیزی است که فی الجمله برخی از عقلا به آن رغبت دارند؛ ندرت و کمیابی دارد، قابلیت انتقال به دیگری دارد، منفعتی برای آن متصور است. این ویژگی‌ها، ویژگی‌های مهم و اصلی مال هستند؛ اینها در رمز ارزها کاملاً وجود دارد و بر آنها منطبق است. درست است این رغبت یا کمیابی یا منفعتی که برای آن تصویر می‌شود در فضای خاصی است، حالا یا در فضای مجازی است یا حتی در فضای واقعی هم با اینها این کار صورت می‌گیرد، اما در عین حال اینها مانع نمی‌شود که ما رمز ارز را مال محسوب نکنیم؛ یعنی همین اعداد و ارقام و همین رمزها، مالیت پیدا کرده‌اند. این مثل یک سکه یا اسکناس کاغذی که قابل اشاره حسیه باشد نیست. رمز ارز فقط یک سری رموز و اعداد و ارقام است. یعنی آنچه که شما در فضای مجازی می‌بینید، یک سری رمز

است. البته پول‌های الکترونیکی هم تقریباً همینطور است و یک سری اعداد هستند، ولی این اعداد و ارقام در پول‌های الکترونیکی در واقع پول‌های کاغذی را نمایندگی می‌کند؛ اما اینجا نمایندگی پول‌های کاغذی مطرح نیست؛ فقط یک سری رمز است و اعداد و ارقام که رغبت به سوی آن وجود دارد، ندرت و کمیابی دارد، قابل انتقال است، منفعتی در آن می‌توان تصویر کرد. لذا عنوان مال بر این رمز ارزها منطبق است.

مجموعاً از همه بحث‌هایی که تا اینجا داشتیم، به این نقطه رسیدیم که رمز ارزها پول نیستند اما مال هستند. ویژگی‌های پول به معنای امروزی در رمز ارزها وجود ندارد اما مالیت دارند و مال محسوب می‌شوند.

سؤال:

استاد: ما کلی می‌گوییم ... فی الجمله آنهایی که این ویژگی را دارند. شما می‌گویید یک رمز ارزی است که اصلاً عقلاً به آن رغبت ندارند و ندرت و کمیابی ندارد، معلوم است که این مال نمی‌شود. ما می‌گوییم آن دسته از رمز ارزهایی که این ویژگی‌ها در آن هست، اینها مال محسوب می‌شوند. ما عرض می‌کنیم که رمز ارزها و آنهایی که این ویژگی‌ها را دارند، اینها مال هستند. مثلاً فرض بفرمایید ما در مورد پول گفتیم مسأله پشتوانه مهم نیست ... آن پشتوانه‌ای که در گذشته بود، الان نیست؛ قبلاً پشتوانه طلا و نقره بود، الان می‌شود قدرت سیاسی، اقتصادی و نظامی، منابع طبیعی و نیروی انسانی، اینها می‌شود پشتوانه. بنابراین آن دسته از رمز ارزهایی که این ویژگی‌ها را دارند مال محسوب می‌شوند؛ اگر رمز ارزی این ویژگی‌ها را نداشت، مال محسوب نمی‌شود.

مرور کلی بر مباحث گذشته

ما تقریباً آنچه که درباره موضوع شناسی لازم بود مطرح کردیم؛ ما از ابتدای سال تا به حال سه مطلب اساسی را رسیدگی کردیم: مطلب اول موضوع شناسی رمز ارز بود؛ مطلب دوم درباره پول بود و اینکه آیا رمز ارز پول محسوب می‌شود یا نه؛ مطلب سوم در مورد مال بود و اینکه آیا رمز ارز مال محسوب می‌شود یا نه. تقریباً در این جلسات مباحث مقدماتی که لازم بود، طرح شد؛ سه مطلب اصلی بود: یکی چیستی رمز ارزها بود، چند جلسه اجمالاً موضوع شناسی کردیم و الا موضوع شناسی اینها خیلی بیش از این نیازمند توضیح و زمان است. مفصلاً درباره پول و مال بحث کردیم و اینکه رمز ارز آیا پول محسوب می‌شود یا نه، و آیا مال محسوب می‌شود یا نه؛ اینها همه مقدمه بود برای ورود به بحث از احکام رمز ارزها. این رمز ارزها چه حکمی دارد؟ ما ابتدا باید ببینیم چه کارهایی در رابطه با رمز ارز صورت می‌گیرد؛ استخراج داریم، مبادله داریم، خرید و فروش داریم؛ چند نوع کار در رابطه با رمز ارزها می‌توان تصویر کرد.

معنای احسان به والدین

امروز چهارشنبه است و روایتی از امام صادق (ع) بخوانیم: «عَنْ أَبِي وَكَّادِ الْحَنَاطِ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (ع) عَنْ قَوْلِ اللَّهِ وَ بِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا فَقَالَ الْإِحْسَانُ أَنْ تُحْسِنَ صُحْبَتَهُمَا وَلَا تُكَلِّفَهُمَا أَنْ يَسْأَلَكَ شَيْئًا هُمَا يَخْتَاجَانِ إِلَيْهِ». ابی‌ولاد می‌گوید من از امام صادق (ع) در مورد آیه «و بِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا»، پرسش کردم؛ امام صادق (ع) فرمود: احسان به پدر و مادر به دو چیز تحقق پیدا می‌کند. البته این معنایش آن نیست که محصور در اینهاست و غیر این نیست؛ این دو شاید برجسته‌ترین جلوه‌های احسان بالوالدین باشند. یکی اینکه مصاحبت با آنها را نیکو قرار دهی؛ صحبت یعنی معاشرت، مصاحبت و معاشرت با آنها به نیکویی و حسن باشد. این معاشرت و صحبت یک دایره وسیعی دارد؛ از نگاه کردن هست تا صحبت کردن و احترام و تواضع از هر

جهت. حتی در نگاه کردن هم باید نگاه محبت آمیز باشد؛ مبادا نگاه اخم و گلایه و شکایت و خشم باشد. اگر کسی از پدر و مادرش ولو در یک امری دلخوری داشته باشد، و به دنبال آن نگاه عطفانه نداشته باشد، به نیکویی با آنها رفتار نکرده است. بعد می‌فرماید آنها را وادار نکنی تا چیزی که نیاز دارند از تو بخواهند؛ یعنی قبل از اینکه از تو چیزی را درخواست کنند، قبل از اینکه نیازشان را به زبان بیاورند، نیاز آنها را برطرف کن. مثلاً اگر می‌بینی آب می‌خواهد، قبل از اینکه به زبان بیاورد که یک لیوان آب به من بده، لیوان آب را بدست آنها بدهد. این نیاز فقط نیاز مالی و امثال آن نیست. هر نوع نیازی قبل از آنکه به زبان بیاورند و از تو درخواست کنند، آن را به جا بیاوری و انجام دهی. می‌دانی الان چه می‌خواهد و لازم هم نیست به تو چیزی بگوید، خودت این کار را انجام بده. مراعات شأن پدر و مادر خیلی مسأله مهمی است، مخصوصاً مادر.

امام صادق(ع) از قول رسول خدا(ص) نقل می‌کند که مردی آمد خدمت رسول خدا(ص) و عرض کرد: من به کدام یک از بستگانم نیکی کنم؟ رسول خدا(ص) فرمود به مادرت. بعد دوباره پرسید بعد از آن؟ فرمود به مادرت؛ برای بار سوم پرسید بعد از آن؟ باز فرمود به مادرت. برای بار چهارم پرسید بعد از آن؟ فرمود به پدرت. این نکته دارد و خیلی مهم است؛ پدر و مادر جایگاهشان اگر رعایت شود، تکریم و احترام شوند، غیر از اینکه آثار اخروی دارد، آثار وضعی مهمی در دنیا دارد. خدای نکرده بی‌مهری و ستم بر پدر و مادر غیر از آثار اخروی، آثار سوء وضعی در این عالم دارد. یعنی به خاطر دنیای خودمان هم که شده، باید تا می‌توانیم پدر و مادر را تکریم و احترام کنیم.

«والحمد لله رب العالمین»